

BANG

بَنگ (روش وی)

بَنَگ

داریوش ولیزاده (روش وی)

روش وی کی بود و چیکار کرد ؟!

خلاصه بگیریم که ایشون اولین پیکاپ ارتيست های ایرانی بودند که خیلی توی دنیا سر و

صدا کردند و به دليل ايجاد محتوایی مثل زن سیتزی و ترویج ضد دين يهوديت و از اين

کارها ، دولت دهندش ور سرویس کرد و حتی از يوتیوب ممنوع کار شد. ما کار به اين

موارد نداریم ، هدف ما ترجمه اين کتاب جامع و کامل بود که به همراه کتاب " میستري

مِتُد " میتونه ترکیب بسیار عالی برای ايجاد یک شخصیت مردگونه خفن و موفقیت در

جذب زنان بشه.



در مورد این کتاب فوق العاده باید گفت که ، سال ۲۰۰۶ زمانی که فمیسنت ها قدرتی در آمریکا نداشتن نوشته شد و مطالب این کتاب بسیار کاربردی بود . اما با به روی کار آمدن موج جدیدی از فمنیست ها و چوب لا چرخ کردن ان ها ، داریوش جان آپدیتی به این کتاب به عنوان گیم (بازی) ایجاد کرد تا جلوی اتهامات فمیسنت ها به مردان را بگیرد.



سخنی با خوانندگان کتاب توسط مترجم:

دوست عزیز ، دمت گرم که برای رشد و ارتقا شخصیت و یادگیری مهارت های جذب زنان قدم تو این راه گذاشتی. قطعاً تویی که الان داری این کتاب رو میخونی یه تفاوت اساسی با بقیه مردانی که به ظاهر تو این حوزه دارن آموزش میبینند داری ، چون این کتاب نه تنها راه های جذب زنان (که هدف اصلی ما ازدواج و اون رابطه هدفمنده) است بلکه نکات و مواردی رو لای کتاب ذکر میکنه که قطعاً میتونه نقش اساسی در موفقیت در هر جنبه زندگیت خواهد داشت.

خوشبختانه خیلی از موارد این کتاب با کشور و فرهنگ ما سازگاری داره و با زبانی ملموس بیان شده است ولی اگر جاهایی میبینی که مغایرت داره ، به این فکر کن که تو قراره جذب رو حرفه ای یاد بگیری و محدود به مکان و زمان نکنی . یعنی دیدی فراتر از کشورمون. خودت رو بذار در موقعیتی که به کشور دیگه مهاجرت کردی و الان میخوای یه دختر را جذب کنی اونوقت چی ؟ خودت رو ببر به زمانی که شاید دوستت که

مهاجرت کرده به عنوان یه مشاور تو رو قبول کرده و ازت راهنمایی برای جذب دختر

مورد علاقت میخواد ، اونوقت چی ؟!

سخن رو کوتاه کنیم بزن بریم ...

مباحث کتاب که با سرچ کردن میتونید سریع تر به مطالب دست پیدا کنید :

- مقدمه
- هدف شما
- مراقب باشید
- بازی درونی
- بازی ، ظاهر خوب نمیخواهد
- جذب کردن طبیعی در مقابل آموزش دیدن
- اعتماد بنفس
- آلفاها و بتاها
- تغییرات ذهنی شما آرام انجام میگیرد
- بازی اولیه
- طرد شدن چیز زیبایی است
- بدترین چیزی که ممکن است اتفاق بیفتد چیست ؟

- موانع نزدیک شدن به زنان
- مکان های نزدیک شدن به زنان
- نزدیک شدن به زنان
- اپروچ لجستیکی (منطقی)
- قدردان بودن
- مکالمه و موضوعات
- روتین ها
- تعریف و تمجید و توهین
- وقتی او به شما علاقه مند است
- مین های زمینی
- وینگمن
- تنها بیرون رفتن
- سی دقیقه و فراتر از آن

• دوستی در کار نیست

• رقصیدن

• به سمت بوسه رفتن

• تغییر مکان

• بازی میانی

• مکان های قرار

• بازی تلفنی

• ارتباط از طریق پیام

• ارتباط از طریق ایمیل

• اولین قرار

• تغییر مکان

• بازی توت فرنگی

• قرارهای بعدی

- بازی دیرهنگام
- اولین دخول
- درآوردن لباس هایش
- بستن قرارداد
- قرارهای آینده
- بعد از رابطه جنسی
- روابط
- بازی پایانی
- موقعیت مناسب را پیدا کن
- پایان بازی
- پیوست

مقدمه کتاب

در مقدمه کتاب داریوش میگو در بهار ۲۰۰۱ من تنها ۲۱ سال داشتم و وقتم رو با بازی پشت کامپیوتر می گذروندم . در مورد **ارتباط گیری با زنان** بوق بودم . و زمانی که دور و برم رو میدیدم پسرهایی که با دختران زیبا و خوبرو رفتار بدی داشتن ، به خودم میگفتم چقدر این پسرها احمقند ! (ذهنیت او این بود که برای جذب دختر باید حتما خوب بود)

.

اما دوستان داریوش هم در زمینه ارتباط گیری با زنان ناموفق بودند و این بود که داریوش احساس کرد باید یه حرکتی بزنه . مردان دور و برم رو بعضی ها میدیدم که به زنان نزدیک می شوند و راحت ارتباط میگیرند این بود که باعث شد بفهمم که موفقیت در ارتباط گیری با زنان هنری است که باید آموخت .

داریوش میگو که ، در کلاس درس شیمی که بودم به یه دختر علاقه داشتم. از قضا ایرانی بود و هم سن سال هم بودیم توصیف این بانو ، موهای بلند و پوست زیتونی و

دیگه نگم برات. توی یه گروه درس میخوندیم و حس میکردم که به من توجه داره. من

رفتارهای او را تجزیه تحلیل میکردم و به این نتیجه رسیدم که بیشتر از صرفا یه

دوست معمولی منو قبول داره. بعد از چند هفته شل و سفت بازی، ازش خواستم که

بریم سینما. گفت که نمیتونه و سرم شلوغه (پیچوند). اما هفته ها بعد او را تو محوطه

دانشگاه با یه پسر دیگه دیدم که داشتن لاو میترکوندن. دهنش سرویس.

داریوش میگه بجای گوش دادن به اهنگ های چس ناله و عاشقانه که کار همشگیم بود،

برای اولین بار از کوره در رفتم. تو این اتفاق چون پسر خوبی بودم این اتفاق ناخوشایند

برام رخ داد.

از این به بعد تصمیم گرفتم که اون دختر نادیده بگیرم. اگر هم که باهاش صحبت

میکردم بر خلاف گذشته خیلی کوتاه صحبت می کردم. زمانی که فاز درس خوندن بر

میداشت به دروغ می گفتم تنها درس بخوانم. اما اخر شب ها که باگروهی که درس

میخوندیم منو اتفاقی میدید و دستم رو میشد.

رفته رفته بخاطر رفتار بدی که باهاش داشتم احساسی خوبی پیدا کردم. از تمام چیزهایی که اون دهن سرویس دوست داشت متنفر بودم. میدونی چی شد؟ کم کم برای جلب توجه من تلاشش رو شروع کرد. هر چه طاقچه بالا میذاختم و دورتر میشدم به من نزدیکتر میشد. اینجا بود که داریوش متوجه شد تغییر رفتار خود با دختران میتواند تاثیر بسزایی داشته باشد.

یه روز اتفاقی توی اینترنتی گشت و گذاری داشتم روی یک لینک تصادفی کلیک کردم که بهترین تصادف عمرم شد. اون مطلب در مورد تعامل با زنان نحوه عشق بازی رابطه جنسی و ... بود. همشو چاپ کردم و خط به خط شروع به مطالعه کردم.

برای دو ماه رو این مطالب تمرکز کردم و انجامشون دادم. در ماه می ۲۰۰۱ برای اولین در یک کلاب شبانه به سراغ یه دختر رفتم. نیم ساعتی صحبت کردم و شمارش هم گرفتم. خودم و دوستانم تعجب کردن. این اولین موفقیت و امیدواری من بود که باعث شد متوجه بشم که این روش بازی the game همون چیزیه که میخواستم.

خب بریم سراغ **هدف** که مهمترین معقوله است.

الان دقیقا چی میخوای ؟ میخوای عشق بازی کنی ، روابط متعدد تجربه کنی ؟ کارای

خاک بر سری کنی ؟ یا اهدافی فراتر از اینا داری مثلا تقویت اعتماد بنفس ، برونگرتر

شدن یا سخنران شدن یا از این قبیل کارها....

خودت بهتر از هر کسی میدونی که بسیاری از افراد هدف دارند و یه مدت کوتاه دنبالش

میکنند بعد کلا یا ناامید میشن یا تغییرش میدن. یه چی بگم ؟ اگر هدفی داشته باشی

که مطمئن بشی صد درصد بهش میرسی این هدف بدی است . هدف باید تو رو به چالش

بکشه . هر هدف در زندگی ، دو بخش داره ، حرکت به سمت اون هدف و رسیدن بهش.

با ساختار دادن به هدف خود به این شکل که من به حرکت می کنم. این هدف

رو همیشه جلوی چشم خودت بذار و سعی کن در همه حال جلوی چشمت باشه . این

هدف رو تجسم کن تا ذهنت امدادی رسیدن بهش رو داشته باشه.

برخی مربیان انگیزشی توصیه می کنند که برای هدف خود زمان رسیدن تعیین کنید.

برای مثال، من قراره تا شش ماه دیگه با فلان کس وارد رابطه شده باشم و کارای

خاکبرسری کرده باشم .

حواستون باشه

داریوش میگه که حواست باشه که رفتن به سمت هدف و رسیدن بهش میتونه خیلی

سخت و بیشتر مواقع ناامید کننده باشه اما ایا ارزشش رو داره ؟ بله که داره. این هدف

میتونه **اعتماد بنفست** رو بالاتر ببره و در ارتباط گیری با زنان موفق تر عمل کنی. تو باید

با تعداد زیاد زنان در موقعیت ها و مکان های مختلف تعامل داشته باشی. صرفا صحبت

کردن با همکلاسی و محل کار کافی نیست . باید تو کافه و کلاب و کتابفروشی و این

مکان ها نیز ارتباط بگیری.

همه این تعامل ها یه تجربه به شمار می اید. بارها جواب رد میشنوی و عصبی میشی ،

دلسرد میشی و... یه مورد مهم برای موفقیت در ارتباط با زنان ، میتونه زمان است. تو یه

شبه به پیکاپ ارتيست تبديل نميشي. تو با آموزش و کار کردن روی خودت ، پله پله
رشد می کنی. و ظرف یکسال شاهد پیشرفت چشمگیر هستی.

صرف نظر از اینکه الان در چه سطحی هستی و مهارتت چیه ، **گذشته خودت رو فراموش کن** . این را شروعی جدید در نظر بگیر. و یادت باشه این آموزش ها جنبه جدیدی از
زندگی رو برات روشن میکنه.

بخش اول بازی درونی

منظور از بازی درونی بازی است که در ذهن و مایند ست شماست . یعنی ذهنیتی که در
مورد خودت داری باعث جذب یا عدم جذب میشه. مثلا اگر اعتقاد داری که ظاهر و
فیزیک در جذب خیلی مهم است ، این باعث میشه که با دختران کمتری صحبت کنی و
کمتر قرار بذاری.

این بازی ظاهر خوب نمیخواود

خودم رو هیچ وقت خوش قیافه نمیدونم. تو دانشگاه که بودم خودم رو تو آینه که میدیدم یه فرد پشمالو با گوش هایی همانند آینه اسکانیا می دیدم. من چیزی رو که میدیدم دوست نداشتم و فکر میکردم دختر ها به خاطر همین منو دوست ندارند. به همین دلیل توی دانشگاه سراغ کسی نرفتم.



چون احساس ظاهر بدی داشتم هر گز دنبال یادگیری مهارت تعامل با زنان را یاد نگرفتم. من با دوستانم راحت و شوخ طبع بودم اما در کنار دخترها قضیه فرق می کرد. عصبی و دست پا چلفتی می شدم. اینو یادت باشه که دید دختران مختلف به تو متفاوت. مثلاً فاطمی فکر میکنه یه شخصیت سرکش وحشی داری ولی کبری فکر میکنه تو هول هستی اما صغری فکر میکنه که تو یه مرد محافظت گری. اگر موقع نگاه کردن به اینه اولین چیزی که میبینی یه دماغ بزرگ یا یک سر کچله، این طرز فکر توست - دخترها به این ویژگی توجه ندارند - **دختران جذب شخصیت شما می شوند**. اگه به خودت مطمئن نباشی به راحتی با زبان بدن نامناسب خود به دختران میگی که مناسب رابطه و رابطه جنسی نیستی.

زمانی که به بازی دخول کردم، تغییرات سطحی رو در ظاهرم ایجاد کردم. سبیل های چنگیزیم رو زدم موهام رو اصلاح کردم. لباس ها روز خریدم و به باشگاه رفتم تا بدنم حال بدم. اما سوالی که پیش میاد اینه که ایا واقعا من به مرد خوش قیافه تبدیل شده

بودم ؟ وقتی عکس های قدیم خودم رو با عکس های امروزم مقایسه میکنم ، یاد خدا
بیامرز حضرت مسیح میفتم .

در حالی که استایل تیپ و هیکل تو مورد توجه خانم ها است ولی بیشتر این بازی است
که نقش اصلی رو در جذب ایفا میکنه ! ایا تو فکر میکنی ژل زدن و حالت دادن به
موهات خیلی مهمه ؟!

اگر فکر میکنی که ظاهر مهمه و خودت رو جذاب نمیدونی ، تو بیشتر وقت خودت رو
پشت کامپیوتر تلف می کنی. باید تو این وبور رو داشته باشی که بازی مهمه نه ظاهر و
به بیرون برو و حالشو ببر.

تو حتی میتونی با دختر هایی بخوابی که ظاهر تو برات چندان جالب نیست. اینو در نظر
بگیر که گرچه منصفانه نیست که یک مرد صرفا به دلیل بدشانشی ژنتیکی سخت تر کار
کند ، جنبه های مثبت اون هم در نظر بگیرد که بازی او به مراتب بهتر و قشنگ تر از

مرد خوش قیافه ای خواهد بود که اگر جذابیت ظاهرش رو از دست دهد ، دیگر چیزی برای ارائه نخواهد داشت.

جذب طبیعی در مقابل آموزش دیدن

شاید گاهی این فکر رو کردی که باید با توانایی صحبت کردن با زنان به دنیا بیایی و این توانایی در دست تو هست یا نیست ! وقتی یه بار اتفاقی پسری رو میبینی که در کنار دختران زیبا رو ایستاده و تو یه گوشه کز کردی و ابجو تو دستته ، و تمام هفته رو حتی با یه دختر هم صحبت نکرده ای ، تجسم این شرایط سخت است ! من یه سال بعد از این که وارد بازی شدم با دو تا از همکارهای زنم به جشنواره مشروب رفتیم . اون زمون من مرتب به دخترها نزدیک میشدم اما بیشتر این کار رو در کلاب های شلوغ انجام میدادم. یه روز در حال قدم زدن در اطراف مرزعه ویرجینیا، یه دختر داف خوش هیکل دیدم که لباس خفنی تن داشت. چیزی که متوجه شدم این بود که دختر ها هم به اندازه پسر ها به

اون دختر نگاه می کنند. من او رو تعقیب کردم و مانند هر مرد دیگه تو ذهنم خیال پردازی کردم. یه ساعت بعد به سمت چپم که نگاه کردم دیدم اونجا ایستاده و پشتش به من است. از پشت سمتش رفتم و خالکوبی کمرش رو اروم لمس کردم و پرسیدم ، این یعنی چی ؟! ذهنم سرویس بگو چرا ؟ سه هفته بعد با او خوابیدم. اما اگر یک سال پیش به من میگفتی که یکی از جذاب ترین دختران در یک گرد همایی بزرگ عمومی است و من او رو لمس کنم غیر ممکن بود برام.

بیش از ده درصد مردان توانایی ذاتی برای صحبت کردن با جنس مخالف و ایجاد

جذابیت رو دارند. برای اونا بازی کردن کار سختی نیست. انگار که با دوستان پسرشان

صحبت می کنند. شاید این در ژن اوناست و محیطی که بزرگ شدند.

سوال ۹۰ درصد بقیه همانند من چطورند ؟ ایا من باید به یه زن زشت چاق راضی بشم ؟

ایا باید صبر کنم در محل کار با یه دختر خانه دار آشنا شوم و ازدواج کنم ؟ ایا به امید

این که ثروتمند میشم فعلا دست نگه دارم ؟